

ستاره‌ای که دختر شد

در بسته خبری بخوانید

میریم فضا... باهم!

تا کسی علیه تپسی

مجازات جالب

شکارچی غیر مجاز

USAINBOLT

درباره اوسین بولت که هفته گذشته توانست جایزه بهترین ورزشکار سال را کسب کند

افسانه‌ای برای سرعت

قرار ساعت هشت

با الهام از فرآیند ۲۲

دعای ۳۳ صفحه سجاد به

الهی! آنکه نام تو را از میان نامهای دیگر بر گردید و بر لبش ستیاق کرد، چگونه به غیر تو بسپارد و صلوات و صلوات چاک چاک بپراورد رسوایی این را و در کدام سایه پناه بگیرد. اگر تو سایه تکستری و پند ندهی خستگان سوخته و پاره گشته از جاده‌های سوزان پشیمانی را؟

الهی به اندیشه‌های بگدازانمان از این آتش به گسستانت.

خواججه نصرالدین طوسی هرگز گمان نمی کرد که روز مهندسی را با نام او پیوند بزنند

مهندس ما مهندسی نیتی؟!

فاطمه نیک | همزمان با اختراع چرخ، حرفه مهندسی هم در قرون وسطی برای اولین بار به وجود آمد. در تعریف کلی مهندس به کسی گفته می شود که با کشف اصول مکانیکی، ابزارهای هدفمند و مفید می سازد. هرچند در روزگار ما همه چیز به سادگی قرون وسطی نیست، اما همچنان می توان به این تعریف قانع بود. مهندسی امروزی با تمام گرایش های عجیب و غریبی که دارند، آدم های کار درستی هستند که به کمک ریاضیات، مکانیک، هندسه و خواص مواد با ساخت روش ها و وسایلی، زندگی را برای ما آسان تر می کنند. شاید به همان اندازه که شغل پزشکی مهم است، وجود مهندس ها هم در دنیای امروز ضروری است.

مهندس ها، همه فن حریف هستند؟

احتمالاً وقتی آدم های غارنشین با تراش سنگ ها نیزه ساختند، هیچ وقت فکر نمی کردند حرفه ای بسیار بزرگ، مفید و پیچیده برای آیندگان به ارث می گذارند. در نگاه ما همه بچه هایی که کنکور ریاضی داده اند و وارد رشته ای شده اند که اولش پیشوند مهندسی دارد، به یک کار و حرفه مشغولند. ما هم مثل مادر بزرگ هایمان توقع داریم آقایان یا خانم های مهندس از چک چک شیر آب تا کشتن مرغ و خروس را بلد باشند و اگر خدای نکرده از پس پنچرگیری توپ فوتبال ما بر نیایند، چپ چپ نگاهشان می کنیم و می گوییم: «مگه شما مهندس نیستی؟!»



مجموعه ای عظیم زیر نامی که ساده شده

مهندسی یک فن گسترده است که در پیوند با علوم مختلف، اغلب به رشته های مختلف فرعی تقسیم می شود. اینکه می گوییم یک فن گسترده به این خاطر است که این روزها دامنه رشته مهندسی حسابی عریض و طویل شده است و هر جاکه نگاه می کنی، از کشاورزی تا پزشکی، سرو کله مهندس ها هم پیدا شده است. با این همه می توان گفت مهندسی دارای ۵ شاخه مهم است که شامل مهندسی شیمی، مهندسی عمران، مهندسی برق، مهندسی مکانیک و کشاورزی می شود. با نگاهی به همین پنج شاخه متداول متوجه می شوید که برویچه های مهندسی از محصولات پتروشیمی تا زیرساخت هایی مانند جاده ها و پل ها، از تولیدات دامی تا ساخت فضاپیماها را در دستور کار دارند. پس وقتی می خواهید درباره رشته مهندسی و آقایان و خانم های مهندس حرف بزنید، حواستان باشد که با غول عظیمی روبه رو هستید که سرش در آسمان و پاهایش در عمق معدن های تاریک است.

مهندس ها روی بورس هستند

در دهه هفتاد مهندس ها را روی دست می بردند و آنقدر کارشان رونق گرفته بود که با آمار ۸۰ درصد شاغلینش جزو شغل هایی بود که دانش آموختگانش امکان نداشت بیکار بمانند. اما خوب توی دهه هشتاد، ما شورش را در آوردیم. چندسالی همه دوست داشتند مهندس شوند. مکانیک، عمران، مهندسی پزشکی، شیمی، برق و... این جوروری شد که نرخ بیکاری در این رشته بالا رفت. با این همه هنوز گرایش هایی هستند که طرفداران زیادی دارند و روی بورس هستند. یکی از پرطرفدارترین مهندسی ها، همچنان مهندسی برق است. مهندسی برق چند گرایش دارد که مدتی است گرایش مخابراتش حسابی مد شده است. گرایش مهندسی پزشکی هم از آن رشته های دهن پرکن است که شاغلانش بیکار نمی مانند. بعد از مهندسی برق، مکانیک خوان ها همچنان جزو برترین ها هستند. بچه های عمران و مهندسان صنایع، گروه های پرطرفدار بعدی هستند. درست است که این روزها همه از کار کردن در کارخانه ها و ساعت زیاد کار می نالند، اما اگر بچه های صنایع کمی زنگ باشند، بدون شک می توانند با مدرکشان مفید باشند. مهندسی معماری همیشه طرفداران خودش را داشته است، اما وقتی حرف مد می شود، بچه های هوافضا آن جلوها ایستاده اند و اگر دنبال کار هستید، مهندسی فناوری اطلاعات را فراموش نکنید.

این مهندس ها بیکارند

با همه آنچه درباره رونق رشته مهندسی و مفید بودنش گفتیم، باید حواسمان باشد که این حساب و کتاب همیشه درست نیست. مهندسی کامپیوتر یکی از همین رشته هاست. اینجای کار شاید تقصیر حساب و کتاب غلط در موقع انتخاب رشته باشد، اما دومین مهندس های بیکار کشورمان، بچه های زحمتکش کشاورزی هستند. این رشته با گرایش های متعددی که دارد و همین طور با توجه به نیاز کشورمان باید حسابی روی بورس باشد، اما متاسفانه این جوروری نیست و اغلب بچه های این رشته پس از فارغ التحصیلی بیکار می مانند. شاید خود فارغ التحصیلان باید به دنبال یک حرکت انقلابی باشند و نشان بدهند که چه کارها می توانند برای کشور انجام بدهند تا دوباره به روزهای طلایی شان بازگردند.

همان طور که گفتیم، مهندسی فن پیچیده ای است که به اندازه پیشرفت علم و فناوری توسعه پیدا کرده است. این روزها با توجه به نیازهای جدید، شاخه های جدیدی هم در این رشته به وجود آمده است؛ شاخه های جدیدی که با وجود ضروری بودنشان، ما حتی نامشان را نشنیده ایم. یکی از این رشته های گمنام، مهندسی ماشین های ریلی است. باید توجه داشت که حیطه شغلی یک مهندس ماشین های ریلی به صنعت راه آهن محدود نمی شود، بلکه فارغ التحصیل این رشته می تواند در صنعت ذوب آهن، مترو، واگن سازی و کارخانجات مشابه نیز کار کند. مهندسی الکترونیک هواپیما و مهندسی دریا رشته های دیگری هستند که ما کمتر با آن ها آشنا هستیم. البته گاهی رشته هایی هم هستند که ما به آن ها توجه نمی کنیم؛ چون چندان شیک به نظر نمی رسند. مهندسی نساجی یکی از این مهندسی هاست. رشته هایی هم هستند که ما از سختی کارشان می ترسیم، مثل مهندسی معدن!



خواجه نصرالدین طوسی
۵۹۷-۶۷۲ ه.ق
فیلسوف ریاضیدان مجتهد

مهندس پیشوندی که زیادی مهم است

پسوندها و پیشوندها گاه برای ما مهم می شوند، به خصوص آن هایی که مرتبه، شغل و جایگاه اجتماعی ما را مشخص می کنند. بدون شک وقتی خواجه نصرالدین طوسی رصدخانه مراغه را با کمک علم هندسه ساخت، هرگز گمان نمی کرد که روز مهندس را با نام او پیوند بزنند، چون او بیشتر شاعر، فیلسوف، فقیه، ستاره شناس، ریاضیدان و منجم بود و هنوز در آن دوران مردم به این جور افراد مهندس نمی گفتند، اگر هم می گفتند، حتما او به دنبال این نبود که توی جمع مردم با انگشت نشانش بدهند و بگویند بروید کنار که آقای مهندس وارد شد. او انسان مستعد و خلاق بود که با استفاده از اصول علمی، کارهایی کرد تا زندگی برای مردم آسان تر شود. با این تعریف او در روزگار ما مهندس است؛ مهندسی که برای پیشرفت کشورش قدم برداشت و به فکر مد، نام باکلاس و حقوق بالا نبود. هرچند که همه آن ها را با خدمت به مردم به دست آورد.



اوسین بولت که هفته گذشته توانست جایزه

افسانه‌ای بر

BOLT



پابره‌نه
جامائیکایی

بگذارید اعتراف کنیم که همه ما با شنیدن نام رشته دو و میدانی، یک ورزشکار تنومند سیاه‌پوست از یک کشور آفریقایی را به‌خاطر می‌آوریم. هرگاه نگاهی به مدال‌آوران جام جهانی و المپیک می‌اندازید، نفس راحتی می‌کشید و خوشحال از اینکه تمام حدس و گمانتان صحیح از آب درآمده است. معلوم نیست که سفیدپوستان اصلاً نمی‌توانند به سلطه سیاهان بر دو و میدانی پایان دهند یا دلشان نمی‌خواهد رؤیای شیرین مردم قاره آفریقا را خراب کنند. فرضیه دوم ضعیف به‌نظر می‌رسد، چون اگر قرار بود که سفیدها دلشان به حال سیاهان دنیا بسوزد، باید اول از همه چکمه‌هایشان را از روی گلولی منابع بی‌شمار کشورهای این منطقه بردارند و گر نه چند مدال طلای چند گرمی المپیک در مقابل کیلو طلائی که هرروز از مرز این کشورها غارت می‌شود، چه ارزشی دارد؟ حالا شاید بتوانیم قدرت، سرعت و استقامت بالای ورزشکاران آفریقایی را نهفته در اراده‌ای بدانیم که می‌خواهد بر تمام ناعدالتی‌های تاریخ پایان دهد، می‌خواهد با قدرت بر روی سکوی نخست بایستد و فریاد بزند: «ما می‌توانیم». بولت مردی از همین جنس است. نوجوان جامائیکایی که برخلاف شعار کشورش یعنی «ما مردمی در میان دیگر مردم دنیا هستیم» اعتماد به نفس از تمام هیگلش می‌بارد، از همان نوجوانی یاد گرفت که باید بجنگد تا پیروز شود، فهمید که آدم‌های معمولی در جامائیکا جایی در بین ستاره‌های مشهور دنیا ندارند. او خوب می‌دانست که برای ستاره شدن نباید پابره‌نگی را بپا کند!

پاهای بلندش به او این امکان را می‌دهد که ۱۰۰ متر را در ۹.۵۸ ثانیه در تمام طول مسافت برتر او نسبت به رقیبانش است. بولت به‌طور متوسط ۴۱ کیلومتر بر ساعت در ۱۰۰ متر برمی‌دارد. در حال حاضر رکورد جهانی در ۱۰۰ متر ۹.۵۸ ثانیه است.

کابوس کاتالان



ALIREZA MANSORIYAN

چه‌کسی فکرش را می‌کرد که هیأت‌مدیره، کنار زمین چشم از ماه غسل ندارد. ماه غسل بر که حال‌احلاها باید آن را به‌خاطر این پیروزی‌های بی‌پایه بخار تیمش هنوز هم یک گام جلو پنهان می‌کنند، منصوریان



NO TRUMP

مردم آمریکا در روز ملی «رؤسای جمهور» به ترامپ گفتند:

نه... نه...!

ریاست جمهوری «دونالد ترامپ» بر آمریکا هنوز به چهل‌روز هم نرسیده است، اما به‌نظر می‌رسد او یکی از غیرمحبوب‌ترین رئیس‌جمهورهای آمریکاست؛ چون از روزی که انتخاب او برای این پست قطعی شده است، روزی نیست که مردم آمریکا علیه او اعتراض نکنند و مردم و سیاستمداران کشورهای دیگر از افکار و قوانین عجیب و غریب او اظهار تعجب نکنند.

سه‌شنبه این هفته، روز ملی «رؤسای جمهور» در آمریکا بود، اما مردم آمریکا به‌جای گرمای داشت این روز، به خیابان‌ها ریختند و علیه ترامپ اعتراض کردند و شعار دادند که: «مروز، روز رئیس جمهور من نیست». این اعتراضات در ۲۹ شهر آمریکا از جمله نیویورک، شیکاگو و لس‌آنجلس برگزار شد. مخالفان رئیس‌جمهوری آمریکا و سیاست‌های دولت او شعارهایی در حمایت از «حقوق زنان»، «مهاجران» و «تغییرات آب‌وهوایی» هم سردادند. خانم «ولگا لکسل» یکی از سازمان‌دهندگان اعتراضات در شهرهای لس‌آنجلس، شیکاگو و نیویورک بود. او به خبرنگارها گفت، هدفشان این است که به ترامپ بگویند بسیاری از مردم مخالف سیاست‌ها و دستورهای مضحک او هستند. «خیلی از مردم عصبانی هستند؛ چراکه باور دارند ترامپ رأی مردمی به‌دست نیاورده، اما همانند کسی حکومت می‌کند که انگار اکثریت آرا را کسب کرده است». معترضان در نیویورک پلاکاردهایی دستشان بود که روی آن‌ها با خط درشت، کلمه «نه» نوشته شده بود. این پلاکاردها به‌معنی «نه» به قوانین ترامپ بود. از آن‌طرف بعضی از معترضان لباس‌هایی با نوشته «رئیس جمهور من نیست» و «منتخب»



اما نه برگزیده» به تن داشتند. البته این تنها اعتراض مردمی چندوقت اخیر به ترامپ نبود. برخلاف هرسال که اهالی هالیوود دغدغه‌شان پوشیدن لباس‌ها و زیورآلات خیره‌کننده برای حضور در این مراسم بود، امسال تعداد زیادی از آن‌ها اعلام کرده‌اند که در اعتراض به دستور «دونالد ترامپ» برای ممنوعیت ورود مهاجران به آمریکا، یا این مراسم را بایکوت (شرکت نکردن در مراسم) خواهند کرد و یا در صورت حضور در این مراسم، به عناوین مختلف صدای اعتراضشان را به گوش همگان خواهند رساند.

نه باهوش است، نه محبوب...!

همه این اعتراض‌ها به ترامپ در حالی اتفاق می‌افتد که او هم سعی نمی‌کند چهره یک رئیس جمهور باهوش و محبوب را از خودش نشان بدهد. او چندوقت پیش در یکی از سخنرانی‌هایش حرفی زد که کسی نفهمید گاف بود یا چیزی دیگر! او شنبه در جمع هوادارانش در فلوریدا گفت: «ببینید در آلمان چه اتفاقی افتاد. ببینید دیشب در سوئد چه اتفاقی افتاد. سوئدی‌ها! باور می‌کنید چنین حادثه‌ای اتفاق افتاده باشد؟ آن‌ها (سوئدی‌ها) الان با مشکلاتی روبه‌رو هستند که قبلاً احتمالش را هم نمی‌دادند.» این در حالی بود که شب گذشته در سوئد هیچ حادثه‌ای اتفاق نیفتاده بود! صحبت‌هایی که باعث شد نخست‌وزیر سابق سوئد، ترامپ را مسخره کند و رسانه‌ها تا چندروز از این گاف او بگویند و بنویسند.



مهر میریم فضا... یاهم!

وزیر ارتباطات می‌گوید، قرار است اولین ماهواره مشارکتی ایران با همکاری همه دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی ایرانی ساخته شود. به‌گفته آقای محمود واعظی، وزارت ارتباطات می‌خواهد از این به‌بعد به‌جای زیاد کردن تعداد ماهواره‌ها، طراحی و ساخت یک ماهواره پیشرفته را در دستور کارش قرار بدهد.

ایران - فضایی



ایرنا تاکسی علیه تپسی

این هفته تعدادی از رانندگان تاکسی در تهران مقابل مجلس شورای اسلامی جمع شدند و از نماینده‌ها خواستند فعالیت نرم‌افزارهای درخواست تاکسی اینترنتی، یعنی اسنپ و تپسی را ممنوع کنند. این رانندگان تاکسی تلفنی پلاکاردهایی مثل «دولت تدبیر و امید به داد ما برسید» در دست داشتند. استقبال مردم از تاکسی‌های اینترنتی باعث شده کسب‌وکار تاکسی‌داران عادی کساد بشود.

باید این مشکل حل شود



ایرنا مجازات جالب شکارچی غیر مجاز

شکارچی متخلف سنندجی که اقدام به شکار غیرقانونی یک خرگوش در استان کردستان کرده بود، از سوی دادگاه به یک‌هفته کار کردن در فصل پرورش حیوانات وحشی محکوم شده است. مدیرکل حفاظت از محیط‌زیست کردستان می‌گوید: «این مجازات‌های جایگزین، متخلف را با کار و اهمیت محیط‌زیست و حفاظت از سرمایه‌های ملی آشنا می‌کند.»

خیلی هم خوب



باشگاه خبرنگاران جوان حراج تلفن مرگبار

تلفن شخصی «آدولف هیتلر» فرمانده نازی‌ها که در طول جنگ جهانی دوم از آن برای صدور فرمان‌های مرگبار استفاده می‌کرد، به قیمت ۲۴۳ هزار دلار (حدود یک میلیارد تومان) در یک حراجی در آمریکا به فروش رفت. این تلفن قرمز رنگ که نام فرمانده نازی‌ها روی آن درج شده است، در آخرین مرکز فرماندهی هیتلر در جریان جنگ جهانی دوم کشف شده است.

چه عتیقه‌ای

بگذارید اعتراف کنیم که همه ما با شنیدن نام رشته دو و میدانی، یک ورزشکار تنومند سیاه پوست از یک کشور آفریقایی را به خاطر می آوریم. هر گاه نگاهی به مدال آوران جام جهانی و المپیک می اندازید، نفس راحتی می کشید و خوشحال از اینکه تمام حدس و گمانتان صحیح از آب درآمده است. معلوم نیست که سفیدپوستان اصلاً نمی توانند به سلطه سیاهان بر دو و میدانی پایان دهند یا دلشان نمی خواهد رؤیای شیرین مردم قاره آفریقا را خراب کنند

U S A I N B O L T

بهترین ورزشکار سال را کسب کند

علیرضا گرانبایه | وقتی مجری مراسم بالای صحنه رفت تا نام بهترین ورزشکار سال را بخواند و جایزه لاروس را به یک فوق ستاره دنیا اهدا کند، کسی فکرش را هم نمی کرد که باز هم قرار است نام «اوسین بولت» از دهان مجری برنامه خارج شود. بله، در سالی که «رونالدو» با کلسی افتخار درخشیده، «اندی ماری» توانسته خودش را به رتبه اول دنیای تنیس برساند و «گری» توانسته برای دومین بار قهرمان مسابقات NBA شود، چرا نام اوسین بولت باید به عنوان بهترین ورزشکار دنیا اعلام شود؟ حالا که این طور شد، بگذارید بیشتر با هم در مورد اوسین بولت و افتخاراتش حرف بزنیم.

ای سرعت



شکستن رکورد



حل معمای نابغه



بولت مردی از همین جنس است. نوجوان جامائیکایی که به خاطر شعار کشورش یعنی «ما مردم در میان دیگر مردم دنیا هستیم» افتخار به نفس از تمام هیولای می برد. از همان نوجوانی با سرعت نامتعارف تا پیروز شود. فمید کم آرم های معمولی در جامائیکا جایز در بین ستاره های مشهور دنیا ندارند



مرد کوردها

این خبرها مرا می خندانند. فوتبالیست ها در ۲۰-۱۰ متر اولیه بسیار سریع اند و برای همین هم تمرین می کنند. ولی تمرینات من برای شتاب گرفتن و حفظ سرعت در مسافت های ۱۰۰ یا ۲۰۰ متری است

شاید باورتان نشود، ولی یکی از بازیکنان تیم فوتبال آرسنال توانسته است مسافت ۴۰ متر را در زمانی کمتر از اوسین بولت، قهرمان جامائیکایی دوی ۱۰۰ متر المپیک و رقابت های جهانی که لقب سریع ترین مرد دنیا را هم یدک می کشد، ببیماید. بلین مدافع ۲۱ ساله آرسنال، حالا تنها کسی است که می تواند ادعا کند که شاید بتواند روزی رکورد بولت را بشکند. ولی واکنش اوسین نسبت به این اتفاق هم جالب است: «این خبرها مرا می خندانند. فوتبالیست ها در ۲۰-۱۰ متر اولیه بسیار سریع اند و برای همین هم تمرین می کنند، ولی تمرینات من برای شتاب گرفتن و حفظ سرعت در مسافت های ۱۰۰ یا ۲۰۰ متری است.» شاید هم واقعاً اوسین راست می گوید، چون او واقعاً هیچ گاه عادت ندارد که مسابقه را با پیروزی شروع کند، دلش می خواهد عقب بیفتد، بجنگد و شکست دهد.

او در المپیک پکن توانست رکورد دنیا را در ماده ۱۰۰ متر به ۹.۶۹ ثانیه برقی دهد. او همچنین موفق شد در ماده ۲۰۰ متر، رکورد ۱۹.۳۳ ثانیه را ثبت کند. در جام جهانی ۲۰۰۸ در ماده ۱۰۰ متر، رکورد ۹.۵۸ ثانیه را ثبت کرد. در ماده ۲۰۰ متر، رکورد ۱۹.۳۰ ثانیه را ثبت کرد. در ماده ۱۰۰ متر، رکورد ۹.۵۸ ثانیه را ثبت کرد. در ماده ۲۰۰ متر، رکورد ۱۹.۳۰ ثانیه را ثبت کرد.



BARCA CATALAN

محققان آزمایشگاه ورزشی هم مثل شما این سؤال را دارند که چگونه بولت می تواند این سرعت خارق العاده را داشته باشد؟ آن ها با تحقیق و آزمایش فهمیدند بدن اوسین بولت برای دوی سرعت غیر عادی است، ولی شما به راحتی متوجه می شوید که با قد ۱۹۵ سانتیمتر، به معنی واقعی کلمه از رقبا خود یک سر و گردن بلندتر است. پاهای بلندش به او این امکان را می دهد که ۱۰۰ یا ۲۰۰ متر را در گام های کمتری طی کند و این به سبب طول گام برتر او نسبت به رقبایش است. بولت به طور متوسط ۴۱ گام در ۱۰۰ متر برمی دارد، در حالی که سایر دوندگان سرعتی، چیزی بین ۴۳ تا ۵۰ گام برمی دارند. این بدان معناست که طول گام آن ها حدود ۲۰ سانتیمتر کوتاه تر از بولت با طول گام ۲ متر و نیم است. وقتی شما توانایی این جامائیکایی را برای طی مسیر در گام های کمتر، و نیز اعمال نیرویی قابل توجه روی مسیر در نظر می گیرید، درمی یابید که چرا بولت افسانه ای برای سرعت ساخته شده است.

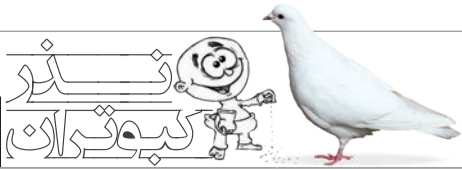
کسی شکست بولت را به خاطر می آورد در این مدت تنها طلا گرفته شده برای یکبار هم که شده، اما به یک ورزشکار دیگر هدیه نماند! بولت حتی به رکوردهای تا بارها و بارها شاهد بهبود شویم. بولت نخستین بار رکورد ۲۰۰ در مسابقات جایزه بزرگ ۷۲ صدم ثانیه کاهش داد. مدت سه مدال طلا کسب کند و یک را در سه ماده دو ۱۰۰ متر و مدالی بشکند. او در المپیک پکن ده ۱۰۰ متر به ۹.۶۹ ثانیه ترقی داد. در ماده ۲۰۰ متر، رکورد ۱۲ ثانیه را شکست. ۱۹.۳۳ ثانیه را شکست. او در رقابت چهار در صد متر سومین دهنده تیم ملی جامائیکا سافا پاول به همراه سه هموطن ۳ متعلق به تیم ملی آمریکا را به شیده، به ۳۷.۱۰ ثانیه رساندند. مدال طلا، سه رکورد المپیک و جامائیکا بازگشت. یادتان نرود که آن کارهایش را انجام می دهد، او یالی کردن را هم چند صد ثانیه

بگذارید داستان را از روزی شروع کنیم که «گواردیولا» از بارسلونا رفت، نه شاید داریم اشتباه می کنیم، باید از روزی حرف بزنیم که «ژاوی» بار سفر را به سمت قطر بست تا پول های اعراب را کیسه کیسه بالا بکشد. اصلاً ولش کنید، بگذارید در مورد روزی حرف بزنیم که «لوئیژ انریکه» و تیمش به سختی توانستند ۲ موقعیت کل روی دروازه تیم حریف ایجاد کنند و ۴ گل مقابل باری سن زمن دریافت کردند. بله هفته گذشته بارسلونا با تمام ایتش مقابل یک باشگاه فرانسوی کم جان زانو زد. می گویم کم جان، چون باری سن زمن نه آن تیم یکه تاز سال های گذشته است و نه «ژلاتینی» دارد که بتواند یک تنه همه را قتل عام کند. راستش را بخواهید، بارسا نباحث، بارسا، مسی، نیمار و انریکه تحقیر شدند تا حالا بعد از سال ۲۰۰۶ برای اولین بار در شرف حذف از مرحله یک شانزدهم لیگ قهرمانان قرار بگیرند. اگر فکر می کنید با پایان فصل و اخراج انریکه همه چیز درست می شود، سخت در اشتباه هستید. فعلاً جدی ترین گزینه برای هدایت آبی اتاری ها، مربی تیمی است که فردای بازی بارسلونا و پاری سن زمن ۵ گل از باریونیک دریافت کرده است. «آرسن ونگر» اگر فرشته نجات کسی بود، می توانست آرسنال را بعد از «آتری»، «ویسرا» و «برکمب» به رستگاری برساند. مدیران کاتالان ها فقط یک راه حل دارند: آن ها باید هر طوری شده است، «پوچتینو» یا «سمیائولی» را برای قبولی هدایت این تیم راضی کنند.

ماه عسل منصوریان

نیمچه پرونده

منصوریان با تیم نصفه و نیمه ابتدای فصلش بتواند این گونه تمام پیش بینی ها را باطل کند؟ آخرین بازی نیم فصل اول را به یاد بیاورید که چگونه منصوریان دل نگران از جلسه فردای مانش را به ساق پاهای بازیکنان دوخته است تا بتواند خودش را از اخراج فردا صبحش رهایی دهد. حالا همان منصوریان و بازیکنانش بهمن ماهی را پشت سر گذاشتند که هیچ چیزی کمتر از جوانانی که خیلی از آن ها حتی نوبت رفتن به جلسه خواستگاری نشان نشده است! حالا نورافکن، حسینی، اسماعیلی و خدووست قبل از ازدواج، ماه عسل ورزشی را تجربه کردند. خاطر داشته باشند: ماهی که با برد مقابل ماشین سازی و پیکان آغاز شد و با شکست السد، پرسپولیس و ذوب آهن به پایان رسید. البته اگر منصوریان جوان بتواند خودش را از جو ج کند، باید خوب بفهمد که هنوز تیمش با تمام پیشرفت هایش به یک وحدت تاکتیکی نرسیده است. به دور از تمام تعصب های رنگی، بگذارید صادقانه بگویم که برانکو و تر از تیم استقلال حرکت می کنند. استقلال هنوز هم دل به سانتورهای بازیکنانش از طرفین بسته است، هنوز آبی ها شلختگی تاکتیکی تیم را با دوندگی ساق های جوانانشان هنوز تا رسیدن به یک تیم یکپارچه راه زیادی در پیش دارد. آبی ها برای مغرور شدن هنوز فرصت زیادی دارند.

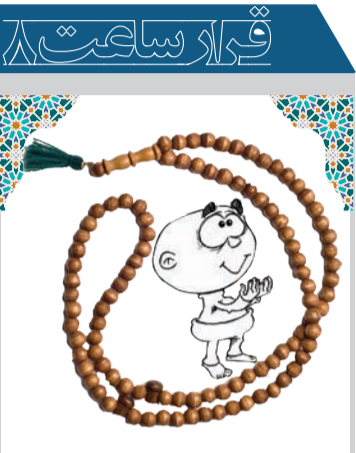


دل سودازده سامان نپذیرد هرگز
کافر چشم تو برهان نپذیرد هرگز
آنکه بیمار نگاهی شده هنگام سحر
منت مرهم و درمان نپذیرد هرگز

با نگاه تو اگر عاشقی آغاز شود
جز به دیدار که پایان نپذیرد هرگز
دل اگر خانه هر بی سروپایی شود
اثر از گفته خوبان نپذیرد هرگز

خام هشتک

تجربه سفر با یک قطاری قدیمی در فصل زمستان برای جذب گردشگران، قطار قدیمی به راه می افتد که در آن برای گرما از بخاری های هیزمی استفاده می شود.



الهی! آنکه نام تو را از میان نام های دیگر برزید و بر لبش سنجاق کرد، چگونه به غیر تو بسپارد وصله چاک چاک پیراهن رسوایی اش را و در کدام سایه پناه بگیرند، اگر تو سایه نگستی و پناه ندی خستگان سوخته و بازگشته از جاده های سوزان پشیمانی را؟
الهی به اشاره ای بگذرانان از این آتش به گلستان. آمین...

لَمْ أَقْبِ بِهَيْمٍ رَبِّ فِي السَّوْعَاتِي، وَ وَثَّقْتُ بِكَ رَبِّ فِي الْمَغْفِرَةِ لِي، وَ أَنْتَ أَوْلَى مَنْ يُوقَفُ بِهِ، وَ أَعْطَى مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ، وَ أَرَأْفَ مَنْ اسْتَرْجَمَ، فَارْحَمْنِي

پروردگارا! من به رازپوشی ایشان اطمینان نکردم، و به تو - ای پروردگار من - در آموزش خود اعتماد کردم، و تو سزاوارترین کسی هستی که به او اعتماد کنند و بخشنده ترین کسی هستی که به او روی آورند، و مهربان ترین کسی هستی که از او مهربانی جویند، پس بر من رحمت آور.

فراز ۲۲ دعای ۳۲ صفحه سجاده

برداشت و الهام آزاد
از اسماعیل فیروزی



دوست نوجوان من! آی می دانی که بخش مکاتباتی مرکز آفرینش های ادبی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به نوجوانانی که نوشتن را دوست دارند کمک می کند تا بهتر از قبل بنویسند و با آثار شاعران و نویسندگان بزرگ، بیشتر آشنا شوند. این دوستی با نامه نگاری ادامه پیدا می کند. دوست داری یکی از این نامه ها را بخوانی؟

ستاره ای که دختر شد

باشد. ستاره قبول کرد. دخترک شبهایی که ناراحت بود به حیاط می آمد و با ستاره خودش درد دل می کرد. ستاره خیلی دوست داشت که تبدیل به یک دختر بشه. برای همین از ماه خواهش کرد و به زمین آمد و شد یکی از دوست های دختر. آن ها همدیگر را خیلی دوست داشتند، تا اینکه ستاره مجبور شد به شهر دیگری برود، ولی آن ها ستاره ای را نشان کرده بودند و مال هر دو آن ها بود، و هر وقت که به آن ستاره درخشان نگاه می کردند، به یاد همدیگر می افتادند و لبخند می زدند.

به حیاط آمدم. آن شب با همه شبها فرق داشت. توی بهار خواب نشستم و به ستاره ها نگاه کردم. ستاره ها از شب های پیش بیشتر و نورانی تر بودند. اون سمت، اون ور، اون ور ستاره ای چشمک می زد.
انگار می خواست چیزی بگه. تا چشم باز کردم، ستاره ای درخشان به زمین افتاد. زود آرزو کردم. ستاره درخشان نمیر. تو رو خدا نمیر. ستاره از نیمه راه برگشت و رفت و رفت و رفت و به آسمان رسید. ستاره از دخترک تشکر کرد. دخترک لبخندی زد و خواهش کرد که آن ستاره از این پس ستاره او

ما سلام لطفانظر تان را راجع به داستانتانم بگویید. خیلے معنون فاطمه



نوشته ها، رد پای عبور است
«همه ما راحت حرف می زنیم؛ ولی نوشتن برای بیشتر ما سخت است. اما تو بنویس تا یادت بماند که نوشته ها، رد پای عبور است. فردا که برگردی و نوشته هایت را بخوانی، به یاد می آوری که از کجا رد شده و چطور قد کشیده ای.»

عرفان نظر آهاری

می فهمی کدام نویسنده بیشتر کتاب خوانده است و کدام بیشتر نوشته است و کدام دلواپس تنهایی مردمان اطرافش است. نوشتن یک جور ردیاست. من از دیدن رد پای تو لذت بردم. ظریف بود و با دقت به اطراف نگاه کرده بود. اصلا شتاب زده و عجول نبود. خیلی احساسی بود!
آفرین،
«ستاره خیلی دوست داشت که تبدیل به یک دختر بشه، برای همین از ماه خواهش کرد و به زمین آمد.» فاطمه جان! داستان نشان دادن لحظات و احساسات است. وقتی ستاره دختر شد. دوستش چه احساسی داشت؟ ستاره چه شکلی بود؟ درباره چه چیزهایی با هم درد دل کردند. آیا وجود ستاره در خانه برای خانواده سؤال برانگیز نبود؟ داستان تو به این سؤالات، جوابی نمی دهد. می دانی داستان باید صبور باشد و با حوصله درباره اتفاق ها و حادثه ها و شخصیت ها حرف بزند و سؤالی که در ذهن خواننده ایجاد می شود را پاسخ بدهد.
خب! این ظرف سیب را از دستم بگیر بیا خط بعد... حالا چند نکته، حواست باشد که برای خودت دقتی داشته باشی و تمام نوشته هایت را در آن تاریخ روز نوشتن داستان را هم بنویس تا بعد از مدتی متوجه سیر رشد داستان هایت بشوی. در آخر اینکه زیاد بخوان و بنویس. نوشته هایت را برای من هم ارسال کن. منتظر داستان های بعدی ات هستم. مواظب خودت باش. خدا حافظ

دوست تو: مرکز آفرینش های ادبی

فاطمه، دوست خوب مرکز آفرینش های ادبی! سلام. آرزو می کنم روزهایت پر از نشاط و شادابی و نوشتن باشد. فاطمه جان من دوست تو هستم. دوست تو در مرکز آفرینش های ادبی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (می بینی چه اسم بلند بالایی دارم!؟)، کنار چند گلستان و یک لیوان پر از خودکار و مدادهای رنگی نشسته ام و آثار ادبی دوستان را می خوانم و تلاش می کنم از طریق نامه به آن ها کمک کنم تا بهتر بنویسند. اگر شما هم دوست داری درباره نوشته هایت صحبت کنیم و عناصر داستان را با هم مرور کنیم، نامه ای با مشخصات کامل (نام و نام خانوادگی، نشانی، سال تولد) برای من بفرست. راستی فاطمه جان متن بالا را خواندی؟ تو هم موافقی؟ نوشتن مثل ردیاست، مثل رد پای ابران در یک روز برفی که می توانی بفهمی کدام یک با شتاب رفته است و کدام یک مکث کرده، به اطراف نگاه کرده و بعد ادامه مسیر داده است. یا کدام یک رد پای یک کودک است یا یک زن با کفش پاشنه بلند یا یک مرد با کفشی بزرگ... نوشتن، رد پای نویسنده است.

هشتکو

جایی برای خندیدن، شاد بودن و حرف های خوشمزه زدن است.

دوستی تعریف می کرد، اولین روزهایی که در سر کار جدیدم رفته بودم، یکی از همکارانم هر روز صبح با ماشینش مرا به محل کار می برد. دی ماه بود و هوا کمی سرد و برفی. ما صبح ها زود به کارخانه می رسیدیم و همکارم ماشینش را در نقطه دوری نسبت به ورودی ساختمان پارک می کرد.
در آن زمان، ۲۰۰۰ کارمند کارخانه با ماشین شخصی به سر کار می آمدند. روز اول، من چیزی نگفتم، همین طور روز دوم و سوم. روز چهارم به همکارم گفتم: آیا جای پارک ثابتی داری؟ چرا ماشینت را این قدر دور از ورودی پارک می کنی؟ در حالی که جلوتر هم جای پارک هست؟ او در جواب گفت: برای اینکه ما زود می رسیم و وقت برای پیاده رفتن داریم. این جاها را باید برای کسانی بگذاریم که دیرتر می رسند و احتیاج به جای پارکی نزدیک تر به در ورودی دارند. تا به موقع به سر کارشان برسند.

استاد بزرگ

نیم ساعته هندزفری گذاشتم توی گوشم، ولی آهنگ پلی نکردم، که بپوشم هندزفریم گفت، داداش آگه کاری با ما نداری، بریم گره بخوریم...

همسایه خوشمزه خان

داشتم اتاقم جاروبرقی می کشیدم و در حینش، آهنگ هم گوش می کردم. هندزفری توی گوشم بود و ولوم بالا، منم شروع کردم با جدیت تمام جارو کشیدن بعد ۵ دقیقه مامانم زد رو شونهم!!! هندزفری رو در آوردم گفتم جانم مامان!؟ گفت لااقل جاروبرقی رو روشن کن دانشمند!

پسر خوشمزه خان

چوانی با دوچرخه اش با پیرزنی برخورد کرد و به جای اینکه از او عذرخواهی کند و کمکش کند تا از جایش بلند شود، شروع به خندیدن و مسخره کردن او کرد، و سپس راهش را کشید و رفت! پیرزن صدایش زد و گفت: چیزی از تو افتاده است. جوان به سرعت برگشت و شروع به جست و جوی کرد. پیرزن به او گفت: زیاد نکرد، مروت و مردانگی ات به زمین افتاد و هرگز آن را نخواهی یافت! زندگی اگر خالی از ادب و احساس و احترام و اخلاق باشد، هیچ ارزشی ندارد...

استاد بزرگ

در مراسم عروسی، شادی کنید ولی شورش را در نیارید...



Khosroaluz.com